

تحلیل محتوای اخبار روزنامه گاردین درباره مؤسس ویکی‌لیکس؛ «قهرمان آزادی اطلاعات» یا «هکری تروریست»؟

یونس شکرخواه*، فاطمه فریور

گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
با انتشار اسناد محرمانه جنگ افغانستان، به دست سازمان سوت‌زنی ویکی‌لیکس در ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰م، بحث بسیاری بر سر تأثیر این اسناد و درستی انتشار آن مطرح شد. علاوه بر این بحث‌ها، توجه بسیاری به جولیان آسانژ، مؤسس این سازمان افشاگر اسناد، معطوف شد. او پس از حدود یک‌دهه پیگرد قضایی، از زندان بلمارش بریتانیا آزاد شده بود. مطبوعات جهانی آسانژ را جاب القاب مختلفی همچون «قهرمان آزادی اطلاعات» یا «هکری تروریست» به تصویر کشیده‌اند. در مقاله پیش‌رو سعی شده است نحوه پوشش خبری روزنامه گاردین بریتانیا از جولیان آسانژ بررسی شود. بدین منظور، اخبار این روزنامه از ژوئیه ۲۰۱۰م تا اوت ۲۰۱۲م، بررسی شده است. این دوره، هم‌زمان است با پناهندگی آسانژ در سفارت اکوادور واقع در لندن که کمی پس از قطع همکاری او با گاردین در انتشار افشاگری‌ها رخ داد. با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کمی، تصویر بازنمایی شده از آسانژ و چارچوب‌های یافت‌شده در پوشش خبری این نشریه بریتانیایی تحلیل و بررسی شده است. بررسی صفات مورد اشاره در اخبار مرتبط با آسانژ نشان می‌دهد بازنمایی گاردین از آسانژ غالباً منفی است. پوشش خبری این نشریه بیشتر در چارچوب درگیری‌های جزایی مربوط به اتهام‌ها علیه آسانژ در دادگاه سوئد، و درخواست‌های وی برای پناهندگی یا رفع استرداد به آمریکا قرار داشت. همچنین، نتایج بررسی عناصر و ارزش‌های خبری موجود در خبرها حاکی از این بود که روزنامه گاردین بیشتر به جنبه «شخصی» خبرهای مربوط به آسانژ پرداخته تا اخبار مرتبط با افشاگری‌های جولیان آسانژ در ویکی‌لیکس.	مقاله پژوهشی موضوع: میان‌رشته‌ای حوزه موضوعی: آمریکا، بریتانیا تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ واژگان کلیدی: جولیان آسانژ، روزنامه گاردین، نظریه بازنمایی، نظریه چارچوب‌بندی، ویکی‌لیکس.

ارجاع به این مقاله: شکرخواه ی، فریور ف. (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای اخبار روزنامه گاردین درباره مؤسس ویکی‌لیکس؛ «قهرمان آزادی اطلاعات» یا «هکری تروریست»؟». *مطالعات کشورها*. ۹(۱): ۲۰-۱. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.386332.1217>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
 شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: ✉ shokrkhah@ut.ac.ir - <https://orcid.org/0000-0003-1887->

2045

۱. مقدمه

پس از سال‌ها کشمکش سیاسی و قضایی، سرانجام جولیان آسانژ^۱، سردبیر استرالیایی تبار مؤسسه ویکی‌لیکس^۲، در ژوئن ۲۰۲۴م از زندان بلمارش بریتانیا آزاد شد. این کشمکش‌ها که از زمان افشای اسناد محرمانه مربوط به تهاجم نظامی آمریکا به عراق و افغانستان آغاز شد، فرازونشیب‌های بسیاری را در زندگی شخصی و حرفه‌ای آسانژ رقم زد (Gutiérrez, 2024). افشای این اطلاعات از آن جهت اهمیت داشت که در حجمی بی‌سابقه و در حرکتی چشمگیر اتفاق افتاد. در واقع، علت توجه رسانه‌ها به افشاگری‌های این وبگاه به دلیل این بود که در این وبگاه برای نخستین بار گروهی مستقل و ناشناس تلاش کردند با هدف شفاف‌سازی و دموکراسی، با محرمانه‌سازی اطلاعات توسط دولت‌ها مبارزه کنند. علاوه بر این، علت توجه جهانی به این اسناد فاش‌شده انتشار آن در روزنامه‌های معتبری همچون گاردین و نیویورک تایمز بود (Rusbridger, 2011).

آسانژ، پس از انتشار این اسناد جنگی، همچنین اسناد مربوط به سفارت آمریکا، به چهره‌ای شناخته‌شده در سطح جهان تبدیل شد و نام او همراه نام ویکی‌لیکس تا مدت‌ها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفت. از طرف دیگر، همکاری‌ای که میان ویکی‌لیکس و روزنامه‌های گاردین، نیویورک تایمز، لوموند فرانسه، دراتسپیکل آلمان و ال‌پایس اسپانیا صورت گرفت، در گسترش نوعی روزنامه‌نگاری مشارکتی^۳ تأثیر بسزایی داشت (Lievrouw, 2014).

در تحقیق پیش‌رو، تنها روزنامه گاردین بررسی شده است، چراکه این روزنامه تنها روزنامه بریتانیایی بود که در این همکاری بی‌سابقه نقش ایفا کرد؛ همین‌طور به دلیل اینکه این روزنامه بیشترین پوشش خبری را در دوره زمانی پس از افشای این اسناد در بریتانیا داشت (Brevini et al., 2013). روزنامه گاردین را جان ادوارد تیلور^۴، تاجر پنبه در منچستر، در سال ۱۸۲۱م با عنوان منچستر گاردین تأسیس کرد تا بتواند به رشد اصلاحات سیاسی کمک کند. سایر بازرگانان منچستر که ایده‌های لیبرال میانه‌رو داشتند نیز در این راستا از تیلور حمایت کردند. این نشریه نخست هفته‌نامه بود که اخبار محلی، بین‌المللی و ملی را پوشش می‌داد. در دهه ۱۸۳۰م، به پر فروش‌ترین نشریه در منچستر و در سال

1. Julian Assange
2. Wikileaks
3. collaborative journalism
4. John Edward Taylor

The University of Manchester Library,) ۱۸۵۵م به روزنامه تبدیل شد (، در حال حاضر، تارنمای برخط روزنامه گاردین (Theguardian.com) در صدر نشریه‌های بریتانیا قرار دارد. این تارنما تقریباً تمام محتوای نشریه گاردین و آبرور^۱ را در بر می‌گیرد و بخش‌های دیگری را کارکنان خود اداره می‌کنند، مانند بخشی به نام «اظهار نظر آزاد است»^۲ (Singer & Ashman, 2009).

۲. پیشینه

جولیان آسانژ مؤسسه ویکی‌لیکس را با هدف افشاگری علیه پنهان‌کاری دولت‌ها در سال ۲۰۰۶ تأسیس کرد (Glass, 2012: 165-168). ویکی‌لیکس این امکان را فراهم می‌آورد که افراد ناشناس بتوانند از طرق امن و بی‌خطر اطلاعات را افشا کنند و تاکنون به افشای اطلاعات محرمانه‌ای همچون اسناد فساد دولت کنیا، اسناد مربوط به زندان گوانتانامو و اسناد فساد اقتصادی بانک ایسلند پرداخته است (Jones & Brown, 2011: 115-147). با اینکه تمامی این افشاگری‌ها تأثیر بسیاری در کشور مربوط داشته است، ویکی‌لیکس زمانی تبدیل به مؤسسه‌ای شناخته‌شده در جهان شد که به افشاگری درباره جنگ عراق و افغانستان و اقدام‌های تجاوزگرایی آمریکا در این دو کشور پرداخت (Sifry, 2011)؛ از جمله ویدیوئی با نام «کشتار غیرنظامیان» که تیراندازی سربازان ارتش آمریکا را به افراد غیرنظامی و دو گزارشگر خبرگزاری رویترز در یکی از خیابان‌های بغداد نشان می‌داد (WikiLeaks, 2010). در این ویدیو، همچنین افشا و انتشار هزاران اسناد محرمانه دیگر در همکاری با روزنامه‌هایی چون گاردین و نیویورک تایمز، آسانژ را به چهره‌ای مهم در عرصه خبرنگاری تبدیل کرد (Lundberg, 2011). اما، سال‌ها پس از افشای این اسناد، روند توجه اخبار در خصوص وی به بحث‌های سیاسی و قضایی معطوف شد. آسانژ از سال ۲۰۱۲م، مدام با اتهام‌های قضایی مربوط به تجاوز جنسی در سوئد و نیز اتهام جاسوسی علیه آمریکا مواجه و در معرض استرداد به این کشورها و سال‌ها زندانی بود. از این‌رو، در سفارت اکوادور پناهنده شد و تا سال ۲۰۱۹م که پلیس بریتانیا او را به زندان منتقل کرد و سپس دادگاهی شد، در آنجا ماند (BBC, 2024).

از آنجاکه تمامی اخبار منتشرشده در سال‌های اخیر درباره آسانژ، به افشاگرهای ویکی‌لیکس ارتباطی نداشت، بازه زمانی محدودتری (۲۰۱۰ تا

1. The Observer
2. Comment Is Free

۲۰۱۲م) برگزیده شد که سال‌های متعاقب افشای اسناد جنگ عراق و افغانستان و اسناد دیپلماتیکی آمریکا بود.

هدف از این بررسی پاسخ به این سؤال بود که آیا آسانژ در جایگاه چهره‌ای ویکی‌لیکسی بازنمایی شده است یا موضوع‌های دیگری در مرکز توجه اخبار گاردین بود؟ اهمیت این بررسی، به‌ویژه از آن‌روست که اگرچه سال‌های بسیاری از افشای اطلاعات در حد گسترده می‌گذرد، همچنان از همکاری ویکی‌لیکس با پنج نشریه بزرگ بین‌المللی به‌عنوان نقطه عطفی در «سوت‌زنی» یا «افشاگری»^۱ و روزنامه‌نگاری تحقیقی یاد می‌شود. نقش او را در ایجاد بستری برای افشای اطلاعات محرمانه علیه جرایم دولت‌ها و سازمان‌ها، بعدتر سوت‌زنان دیگری همچون اسنودن پیگیری کردند. به‌علاوه، تبریئه آسانژ در سال ۲۰۲۴م از برخی اتهام‌ها، که به‌زعم بسیاری برای سرکوب فعالیت‌های افشاگرانه وی بود، ایجاد اصلاحات را در قوانین بین‌المللی حمایت از سوت‌زنان و خبرنگاران نوید می‌دهد.^۲ لذا، بررسی موشکافانه نحوه بازنمایی آسانژ در روزنامه گاردین روشن می‌سازد که تا چه میزان حمایت از آزادی اطلاعات با نشریه‌ای لیبرال^۳ در بریتانیا دنبال می‌شود.

تاکنون مقالات متعددی درباره آسانژ نوشته شده و اغلب پرونده‌های قضایی وی بررسی شده است؛ از جمله دادگاهی شدن و نحوه مجازات آسانژ با توجه به قوانین جاسوسی آمریکا و درخواست پناهندگی سیاسی وی از اکوادور. همچنین، موضوع دیگری که بدان پرداخته شده است آثار مثبت و منفی افشاگری‌ها و نظریه شفافیت‌سازی است. با وجود تعداد نسبتاً زیاد مقاله‌ها در متون موجود این تحقیق، تنها در کمتر از ده مقاله آسانژ و ویکی‌لیکس از دید رسلنه و تحلیل تصویر ارائه شده از وی در اخبار بررسی شده است. در یکی از این تحقیقات، اخبار

1. whistleblowing

۲. آسانژ در سخنرانی اخیر خود پس از آزادی، در مجمع پارلمانی شورای اروپا (اکتبر ۲۰۲۴م) از چالش‌ها و پیگردهای قانونی موجود برای روزنامه‌نگاری و آزادی مطبوعات سخن گفت. او در این مجمع، به‌دلیل تحمل سال‌ها زندان و فشار قضایی، نوعی زندانی سیاسی قلمداد شد. این مجمع همچنین، هدف دولت آمریکا از محاکمه آسانژ را «پنهان کردن تخلفات» خود دانست (<https://rsf.org/en/julian-assange-breaks-silence-landmark-council-europe>); <https://www.coe.int/en/web/portal/-/pace-recognises-julian-assange-as-a-hearing;political-prisoner-and-warns-against-the-chilling-effect-of-his-harsh-treatment>

۳. برای اطلاعات بیشتر، رجوع شود به:

<https://www.theguardian.com/the-scott-trust/2015/jul/26/the-scott-trust>

منتشر شده در چهار روزنامه گاردین، دیلی میل، نیویورک تایمز و نیویورک پست با استفاده از روش تحقیق تحلیل گفتمان انتقادی بررسی شده است. در این تحقیق دو روزنامه از آمریکا و دو روزنامه از انگلیس تحلیل شد؛ در نتیجه تفاوت و شباهت سنت‌های روزنامه نگاری دو کشور مقایسه شده است. بیرمنگام در این تحقیق به این نتیجه رسید که در دو روزنامه (Tabloid یا نیم‌قطع) دیلی میل و نیویورک پست، هر دو، تصویر منفی از آسانز ارائه داده‌اند. همچنین، پوشش خبری هر دو روزنامه انگلیسی از نظر حجم، چهار برابر بیشتر از پوشش خبری دو روزنامه آمریکایی بوده است. بیرمنگام نمونه‌های متعددی از صفات منفی به کاررفته همچون «دشمن دولت» را بیان می‌دارد و چارچوب‌های «اخلاقی و سیاسی» را غالب بر محتوای اخبار مربوط به آسانز می‌داند. علاوه بر این، با مقایسه دو روزنامه (broadsheet یا قطع بزرگ) مشخص شد که برخلاف گاردین که تصویر مثبتی ارائه می‌دهد، روزنامه نیویورک تایمز پوشش خبری منفی داشته است (Birmingham, 2010: 20-27).

در مقاله‌ای دیگر، آندراد، با به کارگیری روش تحلیل محتوا، ۳۸۰ روزنامه انگلیسی و اسپانیایی را با گروهی از محققان بررسی کرد. یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد که به طور کلی تصویر آسانز در چارچوب مثبتی (با توجه به نظریه چارچوب‌بندی) پوشش داده شده است. همچنین، روزنامه‌های اروپایی، در مقایسه با روزنامه‌های آمریکای شمالی و دیگر قاره‌ها، به آسانز توجه بیشتری معطوف کرده‌اند (Andrade, 2013).

در تحلیل محتوای دیگری، زیپک رسانه‌های خبری اصلی پنج کشور اسپانیا، فرانسه، آلمان، سوئد و انگلیس را بررسی کرد. با تحلیل محتوای اخبار این پنج کشور در دسامبر ۲۰۱۰م مشخص می‌شود که روزنامه تایمز به نسبت منتقد و یکی لیکس است، در حالی که گاردین با نگاه طرفدارانه از آزادی اطلاعات به پوشش خبری پرداخته است. در این تحقیق، دو ارزش خبری «کشمکش»^۱ و «مجاورت»^۲ بیش از سایر ارزش‌های خبری در نتایج به چشم می‌خورد (Czeppek, 2011: 94-108).

مقایسه دیگر پوشش خبری رسانه‌های آمریکایی و فرانسوی نیز به این نتیجه رسید که رسانه‌های هر کشور، نه بر اساس سیاست‌های کشورشان، بلکه بر

1. conflict
2. proximity

اساس اصول خبری خود، به بازنمایی و چارچوب‌بندی آسانز و ویکی‌لیکس پرداخته‌اند (Luther & Radovic, 2014). اگرچه مرور متون موجود حاکی از این است که چگونگی پوشش خبری و تصویر ارائه‌شده از آسانز در اخبار روزنامه گاردین در این مقاله‌ها بررسی شده است، در هیچ‌یک حجم گسترده‌ای از اخبار در محدوده زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ م و تنها با تأکید بر روزنامه گاردین تحلیل نشده است. این امر با توجه به اهمیت روزنامه گاردین در پوشش خبری وسیع در خصوص این موضوع در بریتانیا بسیار مهم است. نگارندگان مقاله پیش‌رو همچنین، سعی بر این داشتند فرضیه چادویک و کالیستر را در حاشیه مقاله خود مطرح کنند، مبنی بر اینکه پس از قطع همکاری توجه پوشش خبری گاردین در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ م به سمت شخصیت آسانز و اتهام‌های جنسی به او تغییر یافت (Chadwick & Collister, 2014: 7). از همین رو، بازه ژوئیه ۲۰۱۰ تا اوت ۲۰۱۲ م برای بررسی پوشش خبری گاردین انتخاب شد.

۳. روش‌شناسی

در این تحقیق، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد که یکی از شیوه‌های متداول برای بررسی متون فرهنگی و مطبوعاتی است. این روش، نخست پس از جنگ جهانی دوم، به منظور بررسی روش‌مند محتوای رسانه‌های جمعی - از جمله تلویزیون، روزنامه و مجله - استفاده و تلاش می‌شود جوسازی (پروپاگاندا)هایی که کمونیسم و نازیسم برای گسترش خود از آن استفاده می‌کردند بررسی و کنترل شود (Miller & Brewer, 2003). برنارد برلسون^۱ از جمله افراد شاخصی است که درباره معنای این روش توضیح داده است. بنابر نظر او، بی‌طرفی در این روش موجب تبیین دسته‌بندی‌هایی می‌شود که برای تحلیلگران متفاوت، یکسان عمل می‌کند (Leslie, 2010: 138). کلاوس کریپندورف نیز تأکید بر این دارد که با به‌کارگیری تحلیل محتوا می‌توان استنتاج‌های معتبری را استخراج کرد که به تبیین متن بی‌هیچ جانبداری از سوی محقق می‌انجامد (Krippendorff, 2012). در خصوص بررسی نحوه بازنمایی موضوع در رسانه‌های اروپایی، مطالعات بسیاری در ایران انجام شده است؛ از جمله شرکت‌مقدم، ساسانی و زارع پاکروش (۱۴۰۳) به تحلیل گفتمانی ترجمه اخبار لوفیگاردو درباره ایران پرداختند. به‌رغم

1. Bernard Berelson

آنکه در این تحقیق نیز یافته‌های نسبتاً مشابهی مبنی بر به‌کاررفتن شیوه‌های حذف یا تغییر برای هدایت «نتایج سیاسی خاصی» به‌دست آمد، شیوه به‌کار رفته متفاوت از تحقیق حاضر است.

همان‌گونه که برتراند و هیوز بیان داشته‌اند، در تحلیل محتوا، برخلاف تحلیل گفتمان، تنها متن بررسی می‌شود و نحوه دریافت مخاطبان از متن کنار گذاشته می‌شود (Bertrand & Hughes, 2017). بدین ترتیب، نگارندگان این تحقیق نیز طی چهار مرحله به تحلیل محتوای پوشش خبری گاردین از مؤسس ویکی‌لیکس پرداختند.

در مرحله نخست، متون تحلیلی مشخص و بازه زمانی مورد نظر تعیین شد. متون اخبار روزنامه گاردین از ژوئیه ۲۰۱۰ تا اوت ۲۰۱۲م از آن جهت انتخاب شد که در شروع و پایان این بازه، اوج‌گیری همکاری گاردین با آسانز در انتشار افشاگری‌ها (۲۰۱۰ تا اواسط ۲۰۱۱م)، سپس قطع همکاری^۱ در انتشار اسناد (اواخر ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲م) رخ داد. علاوه‌براین، پوشش خبری گاردین درباره آسانز از ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰م، هم‌زمان با افشای اسناد جنگ افغانستان، آغاز شد و در حوالی ۱۶ اوت ۲۰۱۲م، به‌دلیل پناهندگی آسانز در سفارت اکوادور در لندن، تا حدی کاهش یافت. حوادث پس از این بازه در این تحقیق بررسی نشده است، چراکه افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده در ویکی‌لیکس در این بازه شدت داشت و هدف تحقیق بررسی میزان توجه رسانه‌ها به آسانز، در جایگاه مؤسس ویکی‌لیکس بود.

سپس، نوع متون بررسی‌شده مشخص شد. از آنجاکه در این تحقیق تمرکز بر اخبار منتشر شده بود، سایر بخش‌های روزنامه همچون بخش نظرها (Comment is free)، نامه‌ها، گالری تصاویر و وبلاگ‌نویسی بررسی نشده است. همچنین، به‌منظور آنکه محققان به ورطه تکرار نیفتند و با توجه به سبک غالب نگارش اخبار گاردین که هرم وارونه^۲ است (Scanlan, 2003)، تحلیل محتوا روی قسمت‌های مشخصی از هر خبر انجام شد، شامل عنوان (headline)، پاراگراف اول (lead) و دو پاراگراف بعد از آن و پاراگراف آخر یا نتیجه‌گیری. همان‌گونه که پوتکر تأکید

۱. همکاری گاردین و آسانز در اثنای انتشار اسناد محرمانه دیپلماتیکی آمریکا (نوامبر ۲۰۱۰ تا سپتامبر ۲۰۱۱م)، به‌دلیل اختلاف‌های آن‌ها بر سر بی‌احتیاطی در لورفتن منابع اسناد افشاشده قطع شد. رجوع شود به: (Roy, 2019: 125-133)

2. inverted pyramid

دارد، مهم‌ترین بخش هر خبر در پاراگراف نخست آن قرار دارد؛ چراکه در آن قسمت به همه یا چند سؤال اصلی مخاطب (یا همان عناصر خبری) - یعنی «چه کسی»، «چه چیزی»، «کجا»، «چه موقع» و «چگونه» یا «چرا» - پاسخ داده می‌شود. از این رو، هرچه خواننده خبر به پاراگراف‌های بعدی مراجعه می‌کند، با جزئیات بیشتر و کم‌اهمیت‌تر موضوع خبر مواجه می‌شود (Pottker, 2003).

از طرف دیگر، واتسون سه ویژگی را در فرایند تولید خبر مهم برمی‌شمارد: دروازه‌بانی^۱، برجسته‌سازی (یا تعیین اولویت موضوع‌ها)^۲ و ارزش‌های خبری، شامل «تأثیرگذاری»^۳، «کشمکش»^۴، «شهرت»^۴، «غرابت»^۵، و «مجاورت» (Watson, 1998). از این رو، در مرحله بعد، علاوه بر عناصر خبری، ارزش‌های خبری نیز متغیرهای لازم برای تحلیل در هر خبری مشخص شد. همچنین، با بررسی صفات به‌کاررفته در توصیف آسانز، جهت‌گیری اخبار و موضوع اصلی هر خبر بررسی و کدگذاری شد (جدول ۱ و ۲). بررسی میزان غالب بودن هریک از ارزش‌ها و عناصر خبری در متون و عناوین، این امکان را به نگارندگان داد تا در بخش تحلیل یافته‌ها به نتایج قابل‌توجهی دست یابند.

جدول ۱. ارزش‌های خبری

تعداد کل دفعات به‌کاررفته	ارزش‌های خبری در متون اخبار	کدها	تعداد کل دفعات به‌کاررفته	ارزش‌های خبری در عناوین	کدها
۲۰۹	کشمکش	۹۰۱	۱۴۲	کشمکش	۸۰۱
۲۰۵	شهرت	۹۰۲	۲۴۸	شهرت	۸۰۲
۲۰	غرابت	۹۰۳	۱۴	غرابت	۸۰۳
۱۳۲	تأثیرگذاری	۹۰۴	۶۳	تأثیرگذاری	۸۰۴
۲۲۱	مجاورت	۹۰۵	۷۶	مجاورت	۸۰۵
۰	هیچ‌کدام	۹۰۶	۲	هیچ‌کدام	۸۰۶

1. gatekeeping
2. agenda-setting
3. impact
4. prominence
5. oddity

جدول ۲. عناصر خبری

کدها	عناصر خبری	تعداد دفعات به کاررفته در جایگاه عنصر غالب
۱۰۰	چه کسی	۸۵
۲۰۰	کجا	۱
۳۰۰	چه موقع	۰
۴۰۰	چه چیزی	۲۰۱
۶۰۰	چرا	۳
۷۰۰	چگونه	۲

پس از تعیین کدها، در هر خبر، بود یا نبود هر کد بررسی شد. بدین منظور، جداولی در نرم‌افزار اکسل ترسیم و هریک از کدها و تعداد تناوب مربوط به آن در این جدول‌ها شمرده شد تا تعداد نهایی آن و در برخی موارد همچون صفت‌ها و موضوع‌ها و نوع آن در بخش یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحلیل شود. در پیوست ۱، نمونه‌ای از این جدول‌های کدگذاری آمده است. لازم به ذکر است که، برخلاف کدگذاری ارزش‌ها و عناصر خبری که به صورت پیشینی (a priori) تعیین شد، کدهای مربوط به موضوع‌ها و صفت‌های غالب از پیش تعیین شده نبود و حین تحقیق بر اساس تناوب دسته‌بندی شد.

در مرحله آخر، آمار حاصل از کدگذاری‌های قسمت پیشین، از دو طریق محاسبه شد. برای ترسیم نمودارهای فراوانی و به‌دست‌آوردن میزان تناوب یا تکرار هر متغیر یا کد از نرم‌افزار اکسل استفاده شد. سپس، نتایج حاصل از بررسی‌ها در جدول و نمودار قرار گرفت و یافته‌ها تحلیل شد.

۴. یافته‌ها

همانگونه که در روش‌شناسی پژوهش اشاره شد، کدگذاری‌ها در چهار دسته عناصر خبری، ارزش‌های خبری، محتوای اخبار، و نیز جهت‌گیری خبرها انجام شد. لذا، نتایج حاصل از تحلیل محتوای کدها نیز به شرح زیر در چهار دسته قرار گرفت: عناصر خبری، ارزش‌های خبری، محتوای اخبار، و جهت‌گیری اخبار؛ که در ادامه بررسی می‌کنیم.

۱.۴. عناصر خبری

در بررسی عناصر خبری، عنصر خبری «چه چیزی» از سایر عناصر بیشتر در خبرها وجود داشت (۶۹ درصد). این بدان معناست که رخدادها و مسائل

مطرح شده در روزنامه گاردین شاخص بود. پس از این عنصر، عنصر خبری «چه کسی» در بسیاری از خبرها یافت شد (۲۹ درصد) که نشان دهنده اهمیت افراد اشاره شده برای مقاله نویسان گاردین است. اما، سایر عناصر خبری بیش از ۲ درصد فراوانی نداشت. به طور مثال، دو عنصر «چه موقع» و «کجا»، با وجود اینکه در خبرها در نظر گرفته شده بود، در هیچ یک از خبرها عنصر غالب نبود؛ بنابراین، درصد تناوب غالب بودن آن صفر بود. از طرف دیگر، دو عنصر «چرا» و «چگونه» با وجود اینکه به ندرت در خبرها بود، هر کدام در ۱ درصد از خبرها غالب دیده شد. در این میان، باید اشاره داشت آنچه اهمیت بسیاری دارد، صرفاً این نیست که کدام عنصر غالب بوده است، بلکه این نیز مهم است که هر کدام از این عناصر به چه مواردی اشاره داشتند.

در خصوص افرادی که به وفور از آن‌ها نام برده شده بود (پیوست ۲)، یافته‌های این تحقیق نشان داد که بیشترین تعداد اشاره به نام یک فرد یا گروه، پس از جولیان آسانژ، وکلا، قضات و متخصصان حقوقی بودند. سپس، کشورها و مسئولان و مقامات دولتی در جایگاه سوم نام‌های پرتکرار قرار داشتند. نکته درخور توجه در این بررسی این است که سهم اشاره به «افشاگران» که از افراد مؤثر در افشای اسناد ویکی‌لیکس بودند، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، کمترین میزان در میان گروه‌های اشاره شده در اخبار بود. همچنین، افراد ناشناس پس از کارکنان، منتقدان و حامیان ویکی‌لیکس سهم بسزایی از افراد نام‌برده را تشکیل می‌دهند؛ به طور مثال، اشاره به نام‌هایی چون «منابع» و «مقامات» که گاه از آن‌ها به عنوان منبع خبر نیز یاد شده است. علاوه بر گروه‌های اشاره شده، در بررسی نام اشخاص حقیقی و حقوقی خاصی که مکرر بدان‌ها اشاره شده است، نتایج به دست آمده حاکی از این بود که پس از نام آسانژ و ویکی‌لیکس، دادگاه تجدیدنظر بریتانیا (۱۰۱ بار)، و دو زن سوئدی که شاکیان پرونده آسانژ در خصوص تجاوز جنسی بودند (۸۵ بار)، پرتکرارترین نام‌ها بود. این در حالی است که به بردلی (چلسی) مینینگ که یکی از منابع افشاگری‌ها بود، ۵۱ بار و سوت‌زنان تنها ۲۲ بار اشاره شده بود.

از طرف دیگر، در بررسی عنصر «کجا»، بیشترین کشوری که به آن اشاره شد، سوئد بود. پس از این کشور، بریتانیا و آمریکا دومین و سومین کشور نامبرده بودند؛ سپس، لندن و سفارت اکوادور در لندن از جمله مکان‌هایی بودند که فراوان ذکر شده بود. این نتایج به وضوح نشان داد اشخاص و مکان‌هایی که بسیار به آن‌ها

اشاره شده است آن‌هایی بودند که مرتبط با موضوع‌ها، مسائل و رخداد‌های پرتکرار بودند که در بخش مربوط به عنصر «چه چیزی» و جهت‌گیری اخبار بررسی می‌کنیم.

بررسی عنصر «چه موقع» نیز نشان داد ماه‌هایی از سال، در مقایسه با دیگر ماه‌ها، با پوشش خبری بیشتری همراه است. در این ماه‌ها رویدادها و مسائلی مهم‌تری رخ داده بود: دسامبر ۲۰۱۰م؛ فوریه، ژوئیه و نوامبر ۲۰۱۱م، و همین‌طور ژوئن ۲۰۱۲م. دسامبر ۲۰۱۰م که بیشترین تعداد خبر (۷۶ مورد) را در خود جای می‌دهد، ماهی که در آن این حوادث مهم و همگی موضوع اخبار رخ داده بود: افشای اسناد دیپلماتیکی سفارت آمریکا، عکس‌العمل‌های سیاستمداران آمریکایی به این افشاگری‌ها و درخواست دستگیری یا اعدام آسانژ از سوی آن‌ها، فشارهای آمریکا بر ویکی‌لیکس، بسته‌شدن حساب آسانژ در بانک سوئیس، تلاش دادستان‌های سوئدی برای صادر کردن حکم دستگیری آسانژ و پرونده قضایی وی در سوئد.

۲.۴. ارزش‌های خبری

بررسی ارزش‌های خبری در عناوین و متون اخبار به‌طور مجزا انجام شد که نتایج تقریباً مشابهی را نشان می‌دهد. ارزش خبری غالب در عناوین (۳۶ درصد) و متن خبرها (۲۳ درصد) شهرت بود و حاکی از آن است که مرتبط‌بودن خبر با فرد یا افراد مشهور نخستین ملاک انتخاب خبر برای گاردین بوده است. همچنین، ارزش خبری «کشمکش» در عناوین به‌وفور یافت شد (۲۱ درصد) که نشانگر اهمیت آن در انتخاب عنوان خبر است.

از طرف دیگر، ارزش خبری با فراوانی بسیار در متن خبرها «مجاورت» بود. منظور از ارزش خبری «مجاورت» انتخاب اخبار بر اساس نزدیکی آن به آسانژ، چه از حیث جغرافیایی و چه از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. به‌طور مثال، بسیاری از اخبار، به‌دلیل اینکه رویدادی رخ داده در بریتانیا را گزارش می‌داد، «مجاورت جغرافیایی»^۱ داشت. همچنین، با اینکه بسیاری از رویدادها در بریتانیا یا کشورهای همسایه آن رخ نمی‌داد، به‌دلیل اینکه در کشوری همچون آمریکا دارای رابطه قوی سیاسی و فرهنگی با بریتانیا به‌وقوع می‌پیوست، از «مجاورت معنوی»^۲ برخوردار بود. بررسی‌های انجام‌شده نشان داد که اغلب اخبار (۳۶ درصد) از هر دو نوع مجاورت بهره‌مند بود. تنها ۱۳ درصد اخبار هیچ‌کدام از این مجاورت‌ها را

1. physical/ geographical proximity
2. psychological proximity

نداشت. در این بین، ارزش خبری «غرابت» تنها در ۲ درصد اخبار و عناوین اخبار در نظر گرفته شد و کمترین میزان فراوانی را داشت. نکته مهم دیگر، کم بودن میزان فراوانی ارزش خبری «تأثیرگذاری» است که تنها در ۹ درصد عناوین اخبار و ۱۲ درصد متون اخبار در نظر گرفته شد.

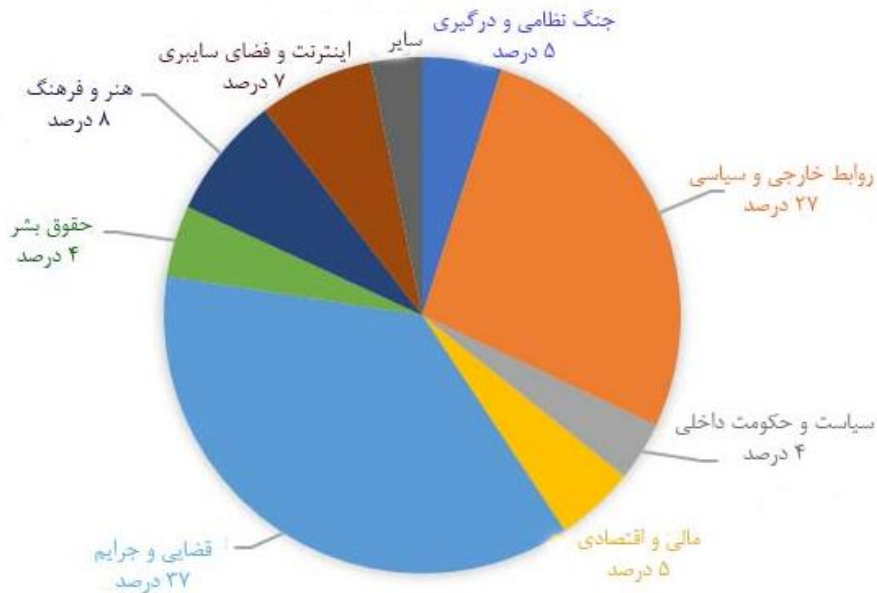
در تحلیل دیگری از ارزش‌های خبری، ترکیبی از متناوب‌ترین ارزش‌ها بررسی شد. نکته قابل توجه در این بررسی این بود که در تمامی ترکیب‌ها، ارزش خبری «شهرت» موجب افزایش تناوب ترکیب‌هایی از ارزش‌های خبری «کشمکش» و «تأثیرگذاری» بود. نمودار بیانگر این ترکیب‌های پرتناوب در پیوست ۳ ترسیم شده است.

۳.۴. محتوای اخبار

نگاهی به محتوا و موضوع اخبار حاکی از آن بود که بیشترین حجم خبرها (۳۷ درصد) به پیگردهای قضایی و جرائم اختصاص داشت. یافته دیگری که برخلاف انتظار محققان بود، این بود که موضوع‌های سیاسی و روابط خارجی در جایگاه دوم قرار داشت و از فراوانی کمتری (۲۷ درصد)، در مقایسه با موضوع‌هایی قضایی، برخوردار بود. نکته دیگر اینکه سایر موضوع‌ها- از جمله سیاست و حکومت داخلی، هنر و فرهنگ، حقوق بشر، جنگ نظامی و درگیری‌های سیاسی، مالی و اقتصادی، و در نهایت، اینترنت و فضای سایبری- هریک سهمی کمتر از ۱۰ درصد را در میان موضوع‌های خبری داشت (شکل ۱). به عبارت دیگر، نگارندگان، با بررسی عبارات پرتکرار در خبرها، دریافتند که مسئله «استرداد آسانژ به سوئد و آمریکا» پرتکرارترین مسئله اشاره شده در خبرها بود. این در حالی است که مسائل مربوط به افشاگری‌ها، تنها یازدهمین مطلب پرتکرار در خبرها بود. علاوه بر این، اسناد افشاشده از جنگ افغانستان کمترین فراوانی داشت و به اسناد سفارت آمریکا تنها ۱۸ بار اشاره شده بود. از دیگر نکات مهم این است که همانند افراد و گروه‌های پرتکرار در عنصر خبری «چه کسی»، بیشترین رخدادهای بحث‌شده پرونده‌های قضایی بود، همچون استرداد، پناهندگی، دادگاه‌ها و اتهام‌ها.

۴.۴. جهت‌گیری اخبار

در این بخش سؤال اصلی این بود که چه تصویری از آسانژ ارائه شده است. بدین منظور، صفت‌هایی که درباره وی در خبرها به کار رفته بود در سه گروه «مثبت»، «منفی» و «خنثی» (بدون جهت‌گیری مثبت یا منفی) تبیین و مقایسه شد.



شکل ۱. موضوع‌های پرکاربرد در اخبار

یافته‌های تحقیق در این خصوص نشان داد که صفت‌های منفی (۴۱ درصد) بیش از دیگر صفت‌ها بود. پس از آن نیز صفت‌های خنثی (۳۱ درصد) و صفت‌های مثبت (۲۸ درصد) قرار داشت. این نتایج حاکی از آن است که تصویر ارائه‌شده غالباً منفی بوده است و بازنمایی‌های مثبت از آسانز کمترین تعداد را در مقایسه با دیگر بازنمایی‌ها داشت. از جمله صفت‌های منفی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «چهره جنجال‌برانگیز»، «رخنه‌گر (هکر) شورشی»، «عامل القاعده»، «تروریست»، «طرفدار ساده‌انگار آزادی اراده» و «مخالف یا معاند غربی». در خصوص صفت‌های خنثی نیز نمونه‌های بسیاری یافت شد که در آن آسانز «استرالیایی ۴۰ ساله»، «متخصص رایانه»، «رئیس ویکی‌لیکس» یا «فردی مشهور در فضای سایبری» قلمداد می‌شد. همچنین، این صفت‌های مثبت درباره‌ی وی استفاده شده بود: «شجاع»، «مصمم»، «مستقل»، «مبارز آزادی» و «قهرمان مردمی».

۵. چارچوب نظری و تحلیل یافته‌ها

برای تحلیل یافته‌های این پژوهش از دو نظریه «چارچوب‌بندی»^۱ اروینگ گافمن^۲

1. framing
2. Erving Goffman

و «بازنمایی»^۱ استوآرت هال^۲ استفاده شد. به عقیده گافمن (۱۹۷۴)، افراد چون قادر نیستند درک کامل و روشنی از جهان داشته باشند، «طرحواره‌های تفسیری» یا «چارچوب‌های اولیه» ایجاد می‌کنند تا به مدد آن، اطلاعات را طبقه‌بندی کنند و به تفسیر معناداری از اتفاق‌های پیرامون خود دست یابند. از این رو، چارچوب‌بندی کمک می‌کند تا چگونگی تفسیرهای مختلف از سناریوهای یکسان را دریابیم و از تأثیر آن بر انتخاب افراد آگاه شویم (Scheufele & Tewksbury, 2007).

بسیاری از محققان نظریه چارچوب‌بندی را یکی از سطوح نظریه برجسته‌سازی می‌دانند؛ بدین معنا که رسانه‌ها با پرداختن بیشتر به برخی موضوع‌ها و مسائل، در مقایسه با سایر موضوع‌ها و مسائل، تعداد محدودی از خصوصیات مربوط به شیء یا سوژه را انتخاب می‌کنند تا در دستور کار یا اولویت قرار گیرد (McCombs, 1997; Weaver, 2007). نگارندگان این مقاله بر این باور هستند که روزنامه گاردین اخبار مربوط به جولیان آسانژ را چارچوب‌بندی کرده است. این ادعا از آن حیث است که یافته‌های تحقیق همگی بر برجسته‌بودن جنبه‌های به‌خصوصی از خبرها دلالت دارد. همان‌گونه که در بخش یافته‌ها اشاره کردیم، بررسی دو عنصر غالب در خبرها یعنی «چه چیزی» و «چه کسی» نشان داد بیشترین چارچوبی که در آن از آسانژ نام برده می‌شد، چارچوب‌های قضایی و حقوقی بود، نه افشای اسناد از سوی ویکی‌لیکس.

افزون‌براین، از نظریه بازنمایی برای نشان دادن تصویری استفاده شد که متن یا رسانه از فرد ارائه می‌دهد (Hall, 1985). نتایج نشان می‌دهد تصویر ارائه‌شده از جولیان آسانژ در این چارچوب بیشتر منفی است. به زعم هال (Hall, 1985)، هر متن رسانه‌ای بازنمایی (یا عرضه مجددی) از واقعیت است. به‌عبات دیگر، رسانه همچون آینه عمل نمی‌کند، بلکه واقعیت را بازتولید و چارچوب‌بندی می‌کند (McCombs, 1997; Barker, 2004). با نگاهی به یافته‌های تحقیق می‌توان مشاهده کرد که بیشترین میزان اشاره به صفتهای منفی است، و فراوانی صفتهای مثبت حتی کمتر از صفتهای خنثی بوده است. از طرف دیگر، غالب‌بودن ارزش خبری شهرت یادآور مفهوم «شخص‌سازی» اخبار است. همان‌گونه که هالاهان و ساندر توصیف می‌کنند، شخصی‌سازی اخبار به‌معنای

1. representation
2. Stuart Hall

«چارچوب‌بندی اپیزودی» یا بیان روایتی با تمرکز بر رخداد‌های مربوط به زندگی شخصی فرد است، که اغلب به توجه بیشتر مخاطبان بدان اخبار و ایجاد نگرانی‌های سیاسی کمتری می‌انجامد (Sande, 1971; Hallahan, 1999). این نکته که پرتناوب‌ترین اپیزودهای مربوط به آسانژ در اخبار گاردین مسائلی چون اتهام‌های تجاوز جنسی، درخواست استرداد او به سوئد یا آمریکا و درخواست او برای پناهندگی به سفارت اکوادور در لندن بود، در حالی که حجم کمتری از پوشش خبری به افشاگری مؤسسه آسانژ از اسناد جنگی یا سفارت آمریکا اختصاص داشت، مؤید آن است که در اخبار گاردین درباره آسانژ به شخصی‌سازی پرداخته شده است.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بخش پیشینه و در بررسی متون مرتبط بیان شد، در اغلب مقاله‌ها و تحقیق‌های مربوط به جولیان آسانژ، به بحث‌های حقوقی درباره قوانین ضدجاسوسی آمریکا و قوانین استرداد پرداخته شده است. در تعداد معدودی که به نحوه پوشش رسانه‌ها درباره او توجه شده است، بازنمایی آسانژ در گاردین، در مقایسه با سایر روزنامه‌ها، مثبت دانسته شده است. اما، در مقاله حاضر، به‌رغم تأیید یافته‌های متون موضوع در خصوص گستردگی و اهمیت پوشش خبری گاردین از آسانژ، چارچوب‌های این نشریه لیبرال بریتانیایی مرتبط با ویکی‌لیکس نبود و با استناد به صفت‌های اشاره‌شده در خصوص آسانژ، بازنمایی وی در گاردین منفی ارزیابی می‌شود.

به‌عبارت دیگر، علی‌رغم آنکه انتظار می‌رفت جولیان آسانژ، به‌عنوان مؤسس ویکی‌لیکس و چهره مهم پشت افشای اسناد محرمانه، در چارچوب‌های مربوط به اسناد و فعالیت‌های ویکی‌لیکس قرار گیرد، غالب‌بودن عناصر خبری «چه کسی» و «چه چیزی» و نیز موضوع‌ها و اشخاص اشاره‌شده در پاسخ به این عناصر، بیانگر این مهم است که زندگی شخصی آسانژ بیشتر در مرکز توجه گاردین قرار گرفته است. طبق مشاهدات نگارندگان، عباراتی که بیشترین تکرار را داشت، همچنین موضوع‌هایی که بیشترین فراوانی را دارا بود، همگی مربوط به رویدادها و مسائل قضایی آسانژ بود، از جمله استرداد وی به سوئد یا آمریکا، اتهام‌ها و پرونده قضایی آسانژ در سوئد، درخواست تجدیدنظر از دادگاه در بریتانیا و درخواست پناهندگی وی. همان‌طور که در بخش یافته‌ها بیان شد، برجسته‌ترین ارزش خبری در

عناوین اخبار و متون اخبار گاردین در بازهٔ زمانی این تحقیق، شهرت بود؛ این بدان معناست که تمرکز اصلی خبرها بر پوشش موضوع‌های مربوط به آسانژ و دیگر افراد مشهور مرتبط با وی از حیث «شهرت» آنها بوده است و نه از حیث تأثیرگذاری موضوع؛ به‌ویژه موضوع‌هایی نظیر افشاگری‌های ویکی‌لیکس که در حوزهٔ آزادسازی اطلاعات و افشای واقعیت‌های جنگی تأثیر بسیاری داشت. افزون‌براین، حتی موضوع‌های دارای ارزش خبری کشمکش، به نسبت بیشتری به کشمکش‌های قضایی اختصاص داشت تا کشمکش‌های حاصل از افشاگری‌ها. در مقالهٔ حاضر، با بررسی دقیق‌تر پوشش خبری گاردین از آسانژ و تحقیق‌های پیشین درخصوص بازتاب رسانه‌ای اخبار مربوط به آسانژ، این نکته را باید افزود که علی‌رغم مثبت‌تر بودن بازنمایی آسانژ در گاردین، در این روزنامه نیز در ارائهٔ تصویر آسانژ همچنان به بازنمایی‌های منفی بیشتر از مثبت و خنثی بها داده شده و به موضوع‌ها و اشخاص توجه شده و زندگی شخصی آسانژ و پیگردهای قضایی مربوط به وی را پررنگ‌تر از اسناد افشاشده ساخته است.

در انتها باید یادآور شد که علی‌رغم آنکه روزنامهٔ گاردین تنها روزنامه‌ای است که در بریتانیا با ویکی‌لیکس برای افشای اسناد جنگی همکاری و بیشترین پوشش خبری را دربارهٔ آسانژ و ویکی‌لیکس در میان سایر روزنامه‌های بریتانیایی داشت، کمتر به موضوع‌های مربوط به ویکی‌لیکس و اخبار افشاگری در بازهٔ بررسی‌شده در این تحقیق پرداخته است. همچنین، با وجود اینکه از زمان همکاری تاریخی گاردین و آسانژ مدت بسیاری می‌گذرد، مسئلهٔ نحوهٔ پوشش خبری او در رسانه‌ها همچنان نکات مهمی را نشان می‌دهد، چراکه آزادی آسانژ پس از سال‌ها زندان و پیگرد قضایی در سایهٔ تغییر توجه رسانه‌ها از افشاگری‌های ویکی‌لیکس به اتهام‌های جنسی علیه آسانژ رخ داد. بی‌شک، این نکته با توجه به تداوم اهمیت آزادی اطلاعات و روند رو به گسترش سوت‌زنی‌ها در سراسر جهان همچنان مهم است. در تحقیقات دیگر در خصوص این موضوع، پوشش خبری گسترده‌تری از چند نشریهٔ بریتانیایی، تحلیل چارچوب‌بندی‌های گاردین در زمان افشاگری‌های دیگر ویکی‌لیکس و یا مقایسهٔ تصویر بازنمایی‌شده از آسانژ و ادوارد اسنودن بررسی شده است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

پیوست‌ها

پیوست ۱. نمونه‌ای از جدول کدگذاری

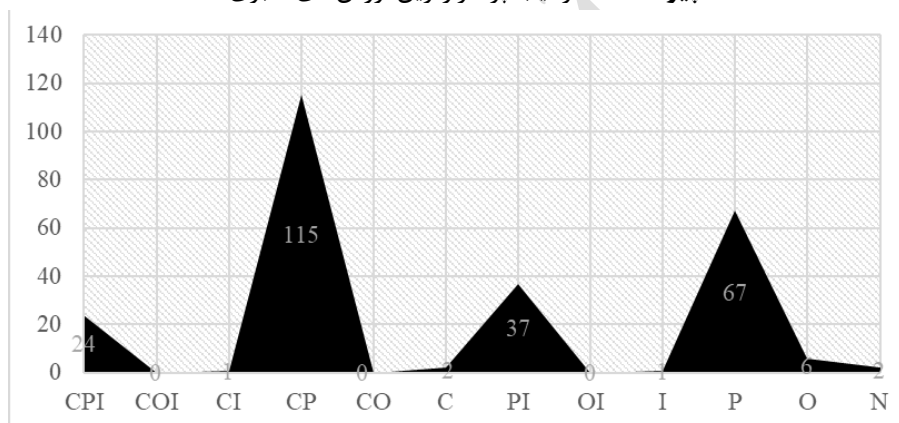
1	What is the focus of the news elements?	100	who	200	where	300	when	400	what	500	why	600	how
2	pentagon hunts wikileaks founder Julian Assange in bid to gag website									1			
3	WikiLeaks founder Julian Assange breaks cover			1									
4	Julian Assange: the whistleblower			1									
5	Afghanistan war logs: Story behind biggest leak in intelligence history									1			
6	Julian Assange profile: Wikileaks founder an uncompromising rebel			1									
7	Wikileaks founder Julian Assange: more revelations to come									1			
8	Afghanistan war logs: Wikileaks founder rebuts White House criticism									1			
9	WikiLeaks 'has blood on its hands' over Afghan war logs, claim US officials			1									
10	Julian Assange, monk of the online age who thrives on intellectual battle			1									
11	WikiLeaks founder accuses US army of failing to protect Afghan informers									1			
12	Rape warrant against Wikileaks founder Julian Assange cancelled									1			
13	WikiLeaks founder Julian Assange denies rape allegations			1						1			
14	Prosecutors may decide today on charges against Wikileaks founder			1						1			1
15	WikiLeaks founder Julian Assange questioned by police			1						1			

پیوست ۲. پرتکرارترین افراد یا گروه‌های نام‌برده‌شده در اخبار

تعداد دفعات اشاره	نام افراد / گروه‌ها
۱۱۹۱	جولیان آسانژ
۶۱۲	وکلا، قضات و متخصصان حقوقی
۴۶۱	کشورها، مسئولان و مقام‌های دولتی
۳۹۳	کارکنان، منتقدان و حامیان ویکی‌لیکس
۲۶۴	افراد ناشناس

۲۴۰	تارنماها، روزنامه‌ها، خبرنگاران و شبکه‌های خبری
۸۱۱	هنرمندان، بازیگران، کارگردان‌ها و نویسندگان
۱۱۳	افراد معروف
۱۱۱	دادستان‌ها و مقام‌های نظامی
۹۸	بازپرسان و سخنگوهای پلیس
۹۵	مؤسسات مالی، سیاسی و سازمان‌های حقوق بشر
۵۳	رخنه‌گرها (هکرها)، افشاگران و فعالان

پیوست ۳. ترکیب پرتکرارترین ارزش‌های خبری



CPI: کشمکش، شهرت، تأثیرگذاری؛ COI: کشمکش، غرابت، تأثیرگذاری؛ CI: کشمکش، تأثیرگذاری؛ CP: کشمکش، شهرت؛ CO: کشمکش، غرابت؛ C: کشمکش؛ PI: برجستگی، تأثیرگذاری؛ OI: «غرابت، تأثیرگذاری؛ I: تأثیرگذاری؛ P: شهرت؛ O: غرابت؛ N: هیچ‌کدام»

منابع

شرکت مقدم ص، ساسانی ف، زارعی‌پاکروش س. (۱۴۰۳). «تحلیل گفتمان انتقادی از ترجمه فرانسۀ چند خبر سیاسی درباره ایران در رسانه فرانسوی لوفیگارو». *مطالعات کشورها*. ۲(۳): ۴۴۹-۴۶۸. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.368683.1081>

- Andrade MKM. (2013). *Julian Assange: A Content Analysis of Media Framing in Newspapers around the World*. Master's thesis, East Tennessee State University. <https://dc.etsu.edu/etd/1150>.
- Barker C. (2004). *The SAGE Dictionary of Cultural Studies*. London: Sage Publications.
- BBC. (2024). "Julian Assange: A timeline of Wikileaks founder's case. June 26. <https://www.bbc.com/news/world-europe-11949341>.
- Bertrand I, Hughes P. (2017). *Media Research Methods: Audiences, Institutions, Texts*. Bloomsbury Publishing. https://doi.org/10.1057/978-1-137-55216-7_1.
- Birmingham J. (2010). "The man who fell to earth: Julian Assange's WikiLeaks". *The Monthly*. <https://search.informit.org/doi/10.3316/ielapa.415236746103007>.
- Brevini B, Hintz A, McCurdy P. (2013). *Beyond WikiLeaks: Implications for the*

- Future of Communications, Journalism and Society*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9781137275745>.
- Chadwick A, & Collister S. (2014). "Boundary-drawing power and the renewal of professional news organizations: The case of the Guardian and the Edward Snowden NSA leak". *International Journal of Communication*. 8: 2420-2441. <https://ijoc.org/index.php/ijoc/article/view/2883/1222>.
- Czepek, A. (2011). "Getting personal: Personification vs. Data-Journalism as an international trend in reporting about Wikileaks". *Diversity of Journalisms: Conference Proceedings*. University of Navarra. <https://hdl.handle.net/10171/18899>.
- Glass RL. (2012). "All about Julian Assange". *Information Systems Management*. 29(2): 165-168. <https://doi.org/10.1080/10580530.2012.662108>.
- Gutiérrez Ó. (2024). "When WikiLeaks and Assange entered the newsroom: A basement, thousands of documents and hours of research". Retrieved from elpais.com: <https://english.elpais.com/international/2024-06-26/when-wikileaks-and-assange-entered-the-newsroom-a-basement-thousands-of-documents-and-hours-of-research.html>.
- Hall S. (1985). "Signification, representation, ideology: Althusser and the post-structuralist debates". *Critical Studies in Mass Communication*. 2(2): 91-114. <https://doi.org/10.1080/15295038509360070>.
- Hallahan K. (1999). "Seven models of framing: Implications for public relations". *Journal of Public Relations Research*. 11(3): 205-242.
- Jones S, Brown JW. (2011). *The Assange Effect: WikiLeaks, The Espionage Act and the Fourth Estate*. Media Law Resource Bulletin. <https://medialaw.org/the-assange-effect-wikileaks-the-espionage-act-and-the-fourth-estate/>.
- Krippendorff K. (2012). *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*. Sage. <http://dx.doi.org/10.4135/9781071878781>.
- Leslie LZ. (2010). *Communication Research Methods in Postmodern Culture*. Routledge. www.routledge.com/9781138233911.
- Lievrouw LA. (2014). "WikiLeaks| WikiLeaks and the shifting terrain of knowledge authority". *International Journal of Communication*. 8(15). <https://ijoc.org/index.php/ijoc/article/viewFile/2667/1240>.
- Lundberg K. (2011). "Friend or Foe? WikiLeaks and the Guardian". *The Journalism School Knight Case Studies*. 11(41): 1-22. <https://journalistsresource.org/wp-content/uploads/2011/09/Wikileaks-Case-Study.pdf>.
- Luther CA, Radovic I. (2014). "Newspapers frame Julian Assange differently". *Newspaper Research Journal*. 35(1): 64-81. <https://doi.org/10.1177/073953291403500106>.
- McCombs, M. (1997). "New frontiers in agenda setting: Agendas of attributes and frames". *Mass Comm Review*. 32-52. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:150389033>.
- Miller RL, Brewer JD. (2003). *The A to Z of Social Research, A Dictionary of Key Social Science Research Concepts*. London: Sage Publications. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/the-a-z-of-social-research/book211452>.
- Pottker H. (2003). "News and its communicative quality: The inverted pyramid—when and why did it appear?". *Journalism Studies*. 4(4): 501-511. <https://doi.org/10.1080/1461670032000136596>.
- Roy R. (2019). "Digital Dissent on WikiLeaks". *Glimpse*. 20: 125-<https://doi.org/133.10.5840/glimpse2019209>.
- Rusbridger A. (2011). "WikiLeaks: The Guardian's role in the biggest leak in the history of the world". <https://www.theguardian.com/media/2011/jan/28/wikileaks-julian-assange-alan-rusbridger>.
- Sande O. (1971). "The perception of foreign news". *Journal of Peace Research*. 8(3-4): 221-237. <https://doi.org/10.1177/002234337100800303>.

- Scanlan C. (2003). "Writing from the top down: Pros and cons of the inverted pyramid". *Poynter Online*. Erişim Tarihi, 14. <https://www.poynter.org/reporting-editing/2003/writing-from-the-top-down-pros-and-cons-of-the-inverted-pyramid/>.
- Scheufele DA, Tewksbury D. (2007). "Framing, agenda setting, and priming: The evolution of three media effects models". *Journal of Communication*. 57(1): 9-20. https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2006.00326_5.x.
- Sherkat Moghadam S, Sassani F, Zare Pakravesht S. (2024). "Critical discourse analysis of the French translation of certain political information related to Iran in the French media Le Figaro". *Countries Studies*. 2(3): 449-468. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2024.368683.1081>. [in Persian]
- Sifry ML. (2011). *WikiLeaks and the Age of Transparency*. New York: OR Books. <http://dx.doi.org/10.2307/j.ctt20bbwsp>.
- Singer JB, Ashman I. (2009). "Comment is free, but facts are sacred: user-generated content and ethical constructs at the Guardian". *Journal of Mass Media Ethics*. 24(1): 3-21. <https://doi.org/10.1080/08900520802644345>.
- The University of Manchester Library. (2024). "Guardian (formerly Manchester Guardian) Archive". https://www.library.manchester.ac.uk/rylands/special-collections/a-to-z/detail/?mms_id=992983876704201631.
- Watson J. (1998) *Media Communication: An Introduction to Theory and Process*. New York: St. Martin's Press.
- Weaver DH. (2007). "Thoughts on agenda setting, framing, and priming". *Journal of Communication*. 57(1): 142-147. <https://doi.org/10.1111/j.1460-2466.2006.00333.x>.
- Wikileaks. (2010) "Collateral Murder; Overview". <https://collateralmurder.wikileaks.org/>.